

رویکرد جامعه محوری پلیس: تضمین امنیت اجتماعی پایدار

روح... لشنی پارسا *

چکیده:

امنیت مهم ترین نیاز جوامع بشری است که همواره در معرض تهدیدات گوناگون قرار داشته و هیچ گاه دارای ثبات، دوام و پایداری نبوده است. در این میان رویکردهای گوناگون پلیسی نیز نتوانسته‌اند پاسخگوی نیاز بشر در این زمینه باشند، شاید تنها رویکردی که می‌تواند تا حدودی پاسخگوی این نیاز بوده و مشکلات امنیتی جوامع را کاهش دهد، رویکرد جامعه محوری باشد. جامعه محوری پلیس، رویکردی است که موجب افزایش سرمایه‌ی اجتماعی پلیس، جلب مشارکت و همکاری مردم در برقراری امنیت، تقدم پیشگیری بر مقابله و... می‌شود. این رویکرد دارای تاریخچه‌ای طولانی نبوده و پس از طی دو دوره‌ی پلیسی «سیاسی» و «اصلاحات» به تازگی مطرح شده است و هنوز هم در حال گسترش و تکامل می‌باشد.

رویکرد جامعه محوری دارای ابعاد مختلفی همچون فلسفی، راهبردی، تاکتیکی و سازمانی بوده که عملیاتی شدن این ابعاد چهارگانه لازمه‌ی نهادینه شدن و موفقیت آن می‌باشد. از سوی دیگر اگر هدف غایی کلیه‌ی رویکردهای پلیسی را تأمین امنیتی پایدار و بادوام در جامعه بدانیم، به جرأت می‌توان گفت که تنها رویکرد جامعه محوری است که توان تضمین امنیت اجتماعی پایدار را دارا می‌باشد، ویژگی‌هایی همچون مشارکت مردمی در تأمین امنیت، افزایش اعتماد شهروندان، درگیر کردن جامعه در حل مشکلات خود، تعامل با جامعه و... چنان توان بالقوه‌ای به این رویکرد داده است که هیچ نیروی انحرافی قدرت بر هم زدن امنیت ایجاد شده توسط آن را نداشته و این چنین امنیتی که با مشارکت تک تک افراد جامعه تأمین شده باشد دارای پایداری و دوام بسیار زیادی خواهد بود.

کلید واژه‌ها:

رویکرد جامعه محوری، امنیت اجتماعی، سرمایه اجتماعی، مشارکت، اعتماد.

* کارشناس ارشد علوم اجتماعی، دانشگاه تهران

مقدمه

پیش شرط رشد جوامع و خود شکوفایی آن‌ها متکی بر سرمایه انسانی^۱ و سرمایه اجتماعی^۲ بوده و این دو، نیازمند امنیت، احساس امنیت و ایمنی است. بی تردید آنگاه که روح و جسم مردمان در آرامش و آسودگی خاطر باشد، تمام قوای ذهنی و جسمی آن‌ها معطوف به خودشکوفایی مادی و معنوی می‌گردد. در این میان موضوع امنیت اجتماعی^۳ به عنوان یکی از مهمترین ابعاد امنیت، همواره از مباحث راهبردی و اساسی کلیه جوامع محسوب شده و تأمین و حفظ آن نیز از دغدغه‌های اصلی دولت‌ها می‌باشد. (رجبی پور، ۱۳۸۴، ص ۸۷)

حفظ اموال و جان مردم و حقوق داخلی آن‌ها در برابر یکدیگر، حفظ مرزها از هجوم بیگانگان و تمامیت ارضی، شرط لازم برای سرمایه‌گذاری، تولید و استقلال سیاسی و اقتصادی یک کشور است. برای تحقق چنین امر مهمی، بی تردید پلیس یکی از نهادهای مهم تأمین امنیت اجتماعی محسوب می‌گردد، لیکن پلیس برای ایفای این نقش مهم ناگزیر است متناسب با رشد جمعیت و گسترش شهرها، پیچیده شدن روابط، مناسبات و تعاملات اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی، همواره با رویکردهای متفاوت به این نیاز اساسی، یعنی تأمین امنیت شهروندان، پاسخ دهد.

یکی از مهم ترین رویکردهای جدید پلیسی برای تأمین امنیت «رویکرد جامعه محوری^۴» است. رویکرد جامعه محوری را به طور خلاصه می‌توان چنین تعریف نمود: «یک راهبرد و خط مشی، با هدف دستیابی به کنترل مؤثر و کارآمد جرایم، کاهش ترس از جرم، ارتقای کیفیت زندگی، گسترش خدمات پلیس و مشروعیت فعالیت‌های پلیس از طریق تکیه بر منابع و امکانات درون جامعه، که در صدد تغییر شرایط جرم خیزی‌اند. این راهبرد مستلزم مسئولیت‌پذیری بیشتر پلیس، سهیم شدن آحاد جامعه در فرایند تصمیم‌گیری و توجه بیشتر به حقوق و آزادی‌های مردم است.» (همتی، ۱۳۸۶، صص ۱۳۶-۱۳۵)

1. Human Capital

2. Social Capital

3. Social Security

4. Community-Oriented Policing Approach

در تعریف فوق ویژگی‌های مختلف رویکرد جامعه محوری به روشنی دیده می‌شود، ویژگی‌هایی همچون مشارکت شهروندان^۱ در تأمین امنیت، ارتقای کیفیت زندگی، کاهش ترس از جرم، کاهش هزینه‌های کنترل اجتماعی و... که این رویکرد را از سایر رویکردهای پلیسی و امنیتی متمایز می‌سازد، چرا که در این رویکرد بیشترین تأکید بر نقش و اهمیت مردم در تأمین امنیت می‌باشد. با توجه به مطالب ذکر شده، فرض و گزاره اصلی مقاله حاضر این است که رویکرد جامعه محوری پلیس دارای ویژگی‌هایی است که می‌تواند بسیاری از مشکلات جامعه را در زمینه امنیت اجتماعی حل نموده و امنیتی پایدار و بادوام در جامعه ایجاد نماید. در این مقاله ابتدا به بررسی تاریخچه، ابعاد، اصول و... رویکرد جامعه محوری پلیس پرداخته و در ادامه اشاره‌ای گذرا به نقش این رویکرد در تأمین امنیت عمومی پایدار خواهیم نمود.

رویکرد جامعه محوری پلیس چیست؟

رویکرد جامعه محوری یک فلسفه است. این رویکرد مشارکت ضابطین قانون و جامعه را در شناسایی و ریشه‌یابی مشکلات و پیدا کردن راه‌حلی که مشکلات را به طور دائم از بین برده و یا کاهش می‌دهد، برمی‌انگیزد. وقتی که افراد جامعه و مأمورین ضابط با یکدیگر همکاری کنند تا کیفیت زندگی را در جامعه بهبود بخشند، فواید این رویکرد به خوبی روشن خواهد شد. (ترویانوویچ و باکوروکس، ۱۳۸۳، ص ۳)

رویکرد جامعه محوری پلیس محیطی امن‌تر برای محله‌ها ایجاد می‌کند و موجب همکاری نزدیک میان پلیس و مردم می‌گردد. این رویکرد از تلاش‌های پیشین مانند اداره امور پلیسی گروهی، ارتباطات اجتماعی، برنامه‌های پیشگیری از وقوع جرم یا برنامه‌های مراقبت از محله متفاوت است. دو مفهوم اصلی آن عبارتند از: همکاری پلیس و اجتماع و اتخاذ رویکرد حل مسأله در امور پلیس. (هس و میلر، ۱۳۸۲، ص ۱۵) مهمترین ویژگی این رویکرد توجه آن به ارتباط و حمایت دو سویه سازمان پلیس و جامعه است، بدین ترتیب می‌توان این رویکرد را یک نوع راهبرد سازمان پلیس دانست که بر دو پایه اصلی استوار است. اولین پایه به این راهبرد را لزوم برقراری تعامل پلیس با ارکان مختلف جامعه به منظور امکان خدمتگذاری بهتر به مردم تشکیل می‌دهد. سازمانی بر خاسته از مردم و برای مردم.

در این مفهوم پلیس به منزله سازمانی است که از بطن مردم و برای خدمتگذاری به مردم برخاسته است و برنامه‌های خود را در جهت ارائه خدمات بهتر به مردم و جلب رضایت عمومی تنظیم می‌کند.

دومین پایه راهبرد جامعه محوری پلیس، عمومی تلقی نمودن مقوله نظم و امنیت اجتماعی است، بدین معنا که پلیس به تنهایی نمی‌تواند نظم و امنیت را در جامعه برقرار نماید، بلکه این سازمان در جهت برقراری نظم و امنیت در جامعه نیازمند واقعی کمک و حمایت مردمی است.

برای شناخت بهتر رویکرد جامعه محوری پلیس و زمینه‌ی تاریخی ایجاد آن در ادامه به بررسی تاریخچه و مهمترین علل تشکیل آن خواهیم پرداخت.

تاریخچه تشکیل پلیس جامعه محور

قبل از بررسی تاریخچه تشکیل پلیس جامعه محور ذکر این نکته ضروری است که رویکرد جامعه محوری پلیس به شکلی سحرآمیز و به عنوان نوشداروی همه‌ی دردهای جامعه به طور ناگهانی پدیدار نشده، این شیوه قرن‌ها در حال تحول و تکامل بوده و در واقع، ممکن است فقط یک گام اولیه به سوی شکل‌گیری اداره‌ی امور پلیسی در آینده باشد.

جامعه، همگام با تغییر نیازهای خود، روش‌هایش را برای «حفظ آرامش» تغییر می‌دهد. این رویکرد یکی از رویکردهای راهبردی اداره‌ی امور پلیسی در جوامع توسعه یافته می‌باشد که پس از دو دوره «سیاسی» و «اصلاحات» به وجود آمده است و در صدد رفع نواقص و کاستی‌های این دو دوره می‌باشد. در ادامه اشاره مختصری به تاریخچه و مهمترین ویژگی‌های هر یک از این دوره‌ها خواهیم داشت.

دوره سیاسی

«دوره‌ی سیاسی تا ربع اول قرن بیستم ادامه یافت، در این دوره ادارات پلیس در حال شکل‌گیری بودند و پلیس پیوند نزدیکی با سیاست داشت. در دوره سیاسی پلیس غیرمتمرکز و تحت اختیار شهرداری محل خدمت خود بود. رئیس پلیس اختیار اخراج افراد را نداشت؛ بنابراین، نیروهای پلیس غالباً بی‌انضباط بودند. مأموران پلیس معمولاً در جامعه

زندگی می کردند و عضو گروه اکثریت بودند. چون گشت پیاده معمول ترین راهبرد اداری امور پلیسی در این دوره بود، افسران رابطه‌ی نزدیکی با مردم پیدا می کردند. در این دوره، انتصاب رؤسای پلیس با انگیزه‌های سیاسی و به منظور حفظ منسوب کنندگان در جایگاه‌های قدرت صورت می گرفت. سیاستمداران با اعطای شغل یا امتیازهای ویژه، به رأی دهندگان خود پاداش می دادند. این امر را نظام بنده نوازی، نظام باند بازی یا جانبداری حزبی می نامیدند، که از مَثَل «حزب حاکم، باند حاکم است» تبعیت می کرد. در این دوره منشأ فساد گسترش یافت. عدم کفایت و فساد پلیس منجر به آغاز دوره‌ی دوم اداری امور پلیسی، یعنی دوره‌ی اصلاحات شد.

دوره اصلاحات

به این دوره اغلب، دوره‌ی پیشرو یا مترقی می گویند. تغییر اساسی در این دوره، تفکیک اداری امور پلیسی از سیاست بود. با جدا شدن اداری امور پلیسی از سیاست، تغییری در تأکید بر نقش پلیسی به وجود آمد. در این زمان شهروندان، اداری امور پلیسی را معادل مبارزه با جرم و جنایت می دانستند. پلیس، کارکردهایی از نوع خدمات اجتماعی را دارای مطلوبیت کمتری تلقی می کرد و تا حد امکان به آن‌ها نمی پرداخت. رابطه میان پلیس و مردم در دوره‌ی اصلاحات تغییر کرد. رهبران پلیس در دوره‌ی اصلاحات، ماهیت یک رابطه‌ی صحیح میان مأموران پلیس و شهروندان یا سیاستمداران را دوباره تعریف کردند. مأموران پلیس، مجریان بی طرف قانون بودند که با شهروندان از لحاظ حرفه‌ای ارتباطی خنثی و از راه دور داشتند. تبدیل گشت پیاده به گشت خودرویی، فاصله‌ی میان پلیس و مردم را در دوره‌ی اصلاحات بیشتر کرد. تصویر پلیس هم تبدیل به تصویر مأمورانی شد که با خودروهای پر قدرت پلیس، غرش کنان و آژیر کشان، با چراغ‌های گردان و با سرعت زیاد از خیابان‌های شهر عبور می کردند. مأموران پلیس، مبارزان حرفه‌ای با جرم و جنایت تلقی می شدند. در نتیجه، اداری امور پلیسی در دوره‌ی اصلاحات، اغلب الگوی حرفه‌ای نام گرفت.

به علت فاصله گرفتن پلیس از مردم، عدم کارایی لازم در برخورد با مجرمان و نقش کمرنگ مردم در همکاری با پلیس، دوران سوم اداری امور پلیسی یعنی عصر جامعه محوری آغاز شد.

دوره جامعه محوری

در دهه‌ی ۱۹۸۰، بسیاری از ادارات پلیس، شروع به تجربه افزایش مشارکت جامعه در «مبارزه با جرم و جنایت» نمودند. هم‌چنین در طول این دهه، در بسیاری از ادارات پلیس، علاوه بر توجه به رویکرد مسأله محوری، پیشگیری از وقوع جرم جایگزین مبارزه با جرم شد. مجریان قانون به تدریج به درخواست مردم برای انجام نوع دیگری از اداره‌ی امور پلیسی بیشتر پاسخ دادند. در دوره‌ی جامعه محوری، پلیس در پی برقراری مجدد یک رابطه‌ی نزدیک با جامعه است.

در کانون اغلب نگرش‌های این دوره، بازگشت به فکر قدیمی مسئولیت جامعه برای حفظ رفاه و سعادت اجتماعی قرار دارد. در قلب اداره‌ی امور پلیسی، ضرورت درک متقابل میان پلیس و شهروندان، که پلیس برای حفاظت از آنان سوگند خورده است، قرار دارد؛ به بیان ساده‌تر، مأموران پلیس باید بخشی از جامعه باشند نه جدا از آن.

در رویکرد جامعه محوری تعامل مداوم میان مأموران پلیس، ساکنان و کسبه‌ی محله، نخستین گام در راه شناسایی مشکلات جامعه است. وقتی مردم جامعه درگیر می‌شوند و در می‌یابند که می‌توانند در بهبود کیفیت زندگی خود نقشی داشته باشند، حسن نیت ایجاد می‌شود و پلیس مأموریتش را راحت‌تر انجام می‌دهد.

رویکرد جامعه‌محوری یک شیوه‌ی بهتر، هوشمندانه‌تر و با هزینه‌ای - اثربخش‌تر برای کاربرد منابع نیروی پلیس است.» (هس و میلر، ۱۳۸۲، صص ۴۵-۳۳)

جدول شماره (۱): مقایسه سه دوره‌ی اداره‌ی امور پلیسی (هس و میلر، ۱۳۸۲، ص ۴۵)

ابعاد مقایسه	دوره سیاسی از ۱۹۳۰ تا ۱۸۴۰	دوره اصلاحات از ۱۹۳۰ تا ۱۹۸۰	دوره جامعه‌محوری از ۱۹۸۰ تاکنون
اختیارات	سیاست و قانون	قانون و حرفه‌گرایی	حمایت جامعه، قانون و حرفه‌گرایی
عملکرد	خدمات گسترده‌ی اجتماعی	کنترل جرایم	ارائه گسترده خدمات
طرح سازمانی	غیرمتمرکز	متمرکز، کلاسیک	غیرمتمرکز، گروه کار، ماتریسی
رابطه با جامعه	صمیمی	حرفه‌ای، از راه دور	صمیمی
تاکتیک و فناوری	گشت پیاده	گشت پیشگیری و پاسخ سریع	گشت پیاده، مسأله‌یابی، روابط عمومی
پیامد	رضایت شهروندان، رضایت سیاسی	کنترل جرایم	بهبود کیفیت زندگی و رضایت شهروندان

با مقایسه سه دوره امور پلیسی در جدول فوق می‌توان به ویژگی‌های متفاوت دوره‌ی اصلاحات با دو دوره‌ی دیگر و شباهت نسبی دو دوره‌ی سیاسی و جامعه محور در برخی ویژگی‌ها پی برد. دوره‌ی جامعه محوری را می‌توان شکل تکامل یافته‌ی دوره‌ی سیاسی دانست که اشکالات و نواقص دوره‌ی سیاسی تا حدود زیادی در آن رفع شده است.

اصول اساسی رویکرد جامعه محوری پلیس

بی شک هر رویکرد امنیتی و پلیسی متکی بر اصولی خاص بوده که لازمه‌ی موفقیت آن رویکرد در بعد تئوریک و عملیاتی است. به پیروی از همین موضوع، رویکرد جامعه محوری پلیس نیز دارای چنین اصول اساسی و مهمی بوده و رمز موفقیت این رویکرد نیز در عملیاتی شدن اصول بنیادی آن می‌باشد. به طور خلاصه مهمترین اصول رویکرد جامعه محوری پلیس عبارتند از:

اصل اول: رویکرد جامعه محوری پلیس فلسفه‌ای مبتنی بر جامعه است. دستورالعمل اجرای قانون بیشتر از طریق فرایند گوش سپردن به شهروندان یک جامعه در مورد آنچه که به آن‌ها مربوط می‌شود، به دست می‌آید و نه مفروضات از پیش تعیین شده‌ای مبنی بر این که جامعه چه می‌خواهد.

اصل دوم: رویکرد جامعه محوری پلیس بر حل مسأله به صورت خلاق و ابتکاری تأکید دارد. کلیه‌ی کسانی که در این فرایند مشارکت دارند، تشویق می‌شوند تا حوزه‌ی دید خود را وسیع‌تر ساخته و به حل مشکل یا مسأله بگرنج بیندیشند.

اصل سوم: رویکرد جامعه محوری پلیس بر افزایش اعتماد¹ تأکید دارد. در این رویکرد بر ارتباط مستقیم کاری میان شهروندان و پلیس و تقویت احساس مسئولیت در مورد مشکلات تأکید می‌شود.

اصل چهارم: در این رویکرد برای ضابطین قانون نقش وسیع‌تری در نظر گرفته می‌شود. هر کدام از اعضای پلیس جامعه محور خود را در ارتباط با جامعه و عضوی از آن می‌دانند و به شهروندان در حل مشکلات جامعه کمک می‌کنند.

اصل پنجم: این رویکرد بر درگیر شدن جامعه در حل مشکلات خود تأکید دارد و از شهروندان می‌خواهد که خود در روند حل مسأله مشارکت داشته باشند. رویکرد مزبور بر این واقعیت واقف است که پلیس بدون کمک شهروندان موفق نخواهد بود.

اصل ششم: پلیس جامعه محور فعال است و به صورت انفعالی عمل نمی‌کند. در این فرایند پلیسی، مشکلات، پیش‌بینی شده، قبل از وقوع متوقف شده و یا از ادامه‌ی آن جلوگیری می‌شود.

اصل هفتم: پلیس جامعه محور آماده است هر جا که کمک نیاز است به خدمت بشتابد. چنین پلیسی امکان برقراری ارتباط نزدیک‌تر با جوانان و افراد مسن را فراهم می‌سازد تا نیازهای آن‌ها را بهتر درک نماید.

اصل هشتم: پلیس جامعه محور روند ارائه خدمات به روش سنتی را از طریق تعامل با جامعه تقویت می‌کند. این پلیس سعی می‌کند پاسخ‌های گوناگونی برای مشکلات جامعه ارائه دهد و پشتیبانی مردمی را بخشی از فرایند حل مسأله به شمار آورد.

اصل نهم: رویکرد جامعه محوری پلیس تمام افراد ضابط قانون را در بر می‌گیرد. انجام موفقیت‌آمیز کار پلیس جامعه محور فقط با نشستن و یا گشت زنی با ماشین تمام نمی‌شود. این رویکرد فلسفه‌ی عملیات پلیسی را متحول می‌سازد.

اصل دهم: این رویکرد، ارائه‌ی خدمات در راستای انجام وظیفه به عنوان ضابط قانون را شخصی ساخته است. ضابطین قانون به صورت مستقیم با شهروندان در ارتباط هستند تا مشکلات را تشخیص دهند. آن‌ها برای نظرات شهروندان اهمیت قائل شده و با کمک آنان راهبردهای حل مسأله را ترسیم می‌نمایند. (ترویانوویچ و باکوروکس، ۱۳۸۳، صص ۴-۵)

علاوه بر اصول ده گانه‌ی مذکور، رویکرد جامعه محوری پلیس دارای ابعاد و مؤلفه‌های مهمی است که با مطالعه‌ی کامل آن‌ها می‌توان تا حدود زیادی نحوه‌ی فکر، برنامه ریزی و کار پلیس در این رویکرد را درک نمود. در ادامه به بررسی اجمالی این ابعاد و مؤلفه‌ها خواهیم پرداخت.

ابعاد رویکرد جامعه محوری پلیس

برای توضیح کامل گستره‌ی رویکرد جامعه محوری پلیس، شناساندن ابعاد این رویکرد و مؤلفه‌های مهم آن، بسیار مفید خواهد بود. از دیدگاه ترویانوویچ و باکوروکس، ابعاد و مؤلفه‌های این رویکرد عبارتند از:

- ۱- بُعد فلسفی
- ۲- بُعد راهبردی
- ۳- بُعد تاکتیکی
- ۴- بُعد سازمانی

۱- بُعد فلسفی

بسیاری از هواداران اندیشمند و قوی این رویکرد تأکید دارند که فلسفه‌ی جدید پلیس جامعه محور که شاید الگویی جدای از روند سنتی پلیس است و صرفاً برنامه‌ی فلسفی خاصی به شمار نمی‌آید، نظریه‌های اصلی و اعتقادات پایه‌ای پلیس جامعه محور را تشکیل می‌دهد. سه اصل مهم این فلسفه عبارتند از: تأمین ورودی از طرف شهروندان، عملکرد گسترده و ارایه‌ی خدمات شخصی.

۱-۱- تأمین ورودی از طرف شهروندان

رویکرد جامعه محوری پلیس مستلزم تعهد نسبت به ارزش‌ها و اعلام نظرهای ضروری از طرف شهروندان در خط مشی‌ها و اولویت‌های پلیس است. از شهروندان جوامع آزاد و دمکراتیک انتظار می‌رود که بگویند چگونه بر آن‌ها حکومت می‌شود. اداره‌ی پلیس مانند سایر سازمان‌های دولتی باید در مقابل حسابرسی‌ها پاسخگو باشد. هم‌چنین از دیدگاه جامعه‌شناسی، مقتضی است که سازمان‌های مجری قانون از حمایت و همکاری شهروندان برخوردار باشند. این همکاری وقتی بیشتر احساس می‌شود که سازمان‌های مزبور به تأمین ورودی از طریق شهروندان علاقه نشان بدهند.

۱-۲- عملکرد گسترده

رویکرد جامعه محوری پلیس ارائه خدمات پلیس را در سطحی گسترده سازماندهی می‌کند و به نقش مجری قانون بودن و صرفاً مبارزه با تخلفات اکتفا نمی‌کند. شغل مأمور پلیس در این رویکرد عبارت است از همکاری با ساکنین یک منطقه برای ایجاد امنیت در محله. عملیات پلیس در این رویکرد، جنبه‌ای چندگانه دارد و صرفاً در بعضی مواقع به اجبار بر اساس فراخوانی برای اجرای قانون عمل می‌کند. محدود شدن به کارهای اجرای قانون و عملکرد به عنوان ضابط قانون، آن‌ها را از رسیدن به اهدافی که عموم مردم از پلیس انتظار دارند، باز می‌دارد.

۱-۳- خدمات شخصی

رویکرد جامعه‌محوری پلیس بر ارائه خدمات شخصی به عموم مردم تأکید دارد و با روش بوروکراسی تفاوت دارد. البته همه افراد جامعه صمیمی و دوست نیستند، ولی هر جا که امکان دارد پلیس باید سعی کند با آن‌ها به روش شخصی و شفاف برخورد نماید تا آن‌ها به ارباب رجوع‌هایی راضی تبدیل شوند. این کار با از بین بردن بوروکراسی تا سرحد امکان میسر خواهد شد. بدین وسیله مردم خواهند توانست با مأموران پلیس تماس مستقیم داشته باشند.

۲- بُعد راهبردی

بُعد راهبردی جامعه‌محوری پلیس مفاهیم کلیدی عملیات آن را در بر می‌گیرد و فلسفه را به عمل تبدیل می‌کند. این مفاهیم راهبردی، پیوند میان نظریه‌های وسیع و اعتقادات گسترده‌ای که متضمن رویکرد جامعه‌محوری پلیس بوده و برنامه‌ها و اقداماتی را که در این رویکرد به آن‌ها عمل می‌شود، مشخص می‌سازد. این راهبردها مشخص می‌کنند که آیا خط مشی‌ها، اولویت‌ها و اختصاص منابع با فلسفه‌ی جامعه‌محوری پلیس سازگار هستند یا نه. سه عنصر اصلی بعد راهبردی عبارتند از: عملیات جهت‌گیری مجدد، تأکید بر پیشگیری و تمرکز جغرافیایی.

۲-۱- عملیات جهت‌گیری مجدد

پلیس جامعه‌محور بر عملیات جهت‌گیری مجدد تأکید دارد و چندان به ماشین گشت توجه نمی‌کند و بیشتر به تعامل رو در رو اهمیت می‌دهد. یکی از اهداف این اقدامات، جایگزین ساختن اقدامات غیرموثر و ترک آن‌ها است (از جمله گشت‌های موتوری و پاسخگویی سریع به تلفن‌های نه چندان مهم). به جای آن‌ها اقداماتی موثرتر همراه با تعامل بیشتر مورد توجه قرار خواهند گرفت. یکی از اهداف مربوط به این قضیه عبارت است از پیدا کردن راه‌های انجام عملیات سنتی لازم (مثلاً مواجهه با تلفن‌های اضطراری و بازرسی‌های تکمیلی) به صورتی موثرتر برای حفظ وقت و منابع پلیس به منظور استفاده در فعالیت‌های جامعه‌محور.

۲-۲- تأکید بر پیشگیری

پلیس جامعه محور فعالیت‌های خود را بر پیشگیری از وقوع جرم متمرکز می‌سازد. هر چند که شهروندان معمولاً، از اقدامات سریع، تحقیق در مورد علت وقوع حوادث و تنبیه متخلفین استقبال می‌کنند، ولی عمدتاً خواهان این هستند که از وقوع جرایم در همان نقطه شروع جرم، پیشگیری به عمل آید. اغلب ادارات پلیس مدرن بعضی از منابع خود را به شکل مأمور یا واحد مخصوص این کار به پیشگیری از وقوع جرم اختصاص می‌دهند. پلیس جامعه محور از این هم فراتر رفته و تأکید دارد که پیشگیری از وقوع جرم بخش عمده‌ای از مأموریت هر مأمور پلیس را تشکیل می‌دهد.

۲-۳- تأکید جغرافیایی

پلیس جامعه‌محور بر پیوند جغرافیایی تأکید می‌ورزد تا ارتباط میان مأموران و شهروندان در حوزه‌ی پلیس قوی‌تر شود و در نتیجه آن درک متقابل، به رسمیت شناختن یکدیگر و مسئولیت‌پذیری و اتکا به هم بیشتر شود. هرچند که اغلب ادارات پلیس از مدت‌ها قبل مأموران گشت را مسئول رسیدگی به مناطق خاصی ساخته‌اند، ولی این مأموریت‌ها به خاطر تعویض شیفت اثر موقتی دارد و محدود به حوزه‌ی جغرافیایی خاصی نیست. افراد متخصص‌تر در سازمان‌های مجری قانون، در مقابل عملکرد و وظایف خود مسئولیت دارند، ولی نه در رابطه با حوزه جغرافیایی خاص، اما عنوان پلیس جامعه محور خود به خود بیشتر بر مکان تأکید دارد تا بر زمان.

۳- بُعد تاکتیکی

بُعد تاکتیکی جامعه‌محوری پلیس نهایتاً نظریه‌ها، فلسفه و راهبرد را به برنامه، تاکتیک و رفتارهای عینی تبدیل می‌کند. حتی کسانی که اعتقاد دارند رویکرد جامعه محوری پلیس یک فلسفه است و نه یک برنامه، باید بپذیرند تا وقتی که این رویکرد به یک سری اعمال منجر نشود و رفتار جدید و یا متفاوتی از آن صادر نگردد، جز لفظ چیزی نیست و واقعیتی در آن یافت نخواهد شد. در واقع بعضی از مفسرین به این نظر رسیده‌اند که رویکرد جامعه محوری پلیس کمی بیش از راهبرد بازار کار پلیس است که عناصر اصلی نقش پلیس را دست نخورده باقی گذاشته است. سه مولفه بسیار مهم بُعد تاکتیکی پلیس جامعه محور عبارتند از: تعامل مثبت، مشارکت و حل مسأله .

۲-۱- تعامل مثبت

در اجرای وظیفه‌ی پلیس بالاجبار برخوردهایی منفی بین پلیس و شهروندان به وجود می‌آید (از جمله دستگیری، دستور ایست به خاطر ظن، دستور به توقف کار، قادر نبودن به بهبود وضعیت قربانیان و ...). رویکرد جامعه محوری پلیس این واقعیت را می‌پذیرد و به مأموران پلیس اعلام می‌دارد تا جایی که می‌توانند این برخوردها را به برخورد مثبت تبدیل کنند. البته تعامل مثبت منافی نیز در بردارد. از جمله منافع آن می‌توان به آشنایی، اعتماد و اطمینان دو جانبه اشاره نمود.

این برخوردهای مثبت حاکی از آن است که شهروندان به پلیس احترام می‌گذارند و از آنان حمایت می‌کنند. این برخوردها اطلاعات مأموران را نسبت به مردم بیشتر ساخته و آگاهی‌شان را از حوزه‌ی مربوطه افزایش می‌دهد. هم‌چنین در نتیجه‌ی این برخوردها اطلاعات خاصی در رابطه با کشف جرایم و حل مسأله در اختیار پلیس قرار داده شده و باعث می‌شود که گشت موتوری پلیس حالتی هماهنگ پیدا کند.

۳-۲- مشارکت

رویکرد جامعه محوری پلیس بر مشارکت فعال میان پلیس، سازمان‌های دیگر و شهروندان تأکید دارد تا همه‌ی اقشار دست به دست هم داده و برای مشکلات راه حل پیدا کنند. شهروندان به واسطه‌ی این رویکرد نسبت به آن‌چه که در دهه‌های گذشته رسم بوده است، نقشی بسیار بزرگ‌تر در امنیت جامعه ایفاء می‌کنند. هم‌چنین سایر سازمان‌های خصوصی می‌توانند از امکانات و منابع و اقتدار خود استفاده کرده و برای مشکلات امنیت اجتماعی راه حل مناسبی پیدا کنند. البته روشن است که در این کار محدودیت‌های قانونی و امنیتی نیز وجود دارد و باید بر این اساس سنجیده شود که این مشارکت تا چه حدی در تأمین امنیت اجتماعی قابل توسعه است، چرا که پلیس نمی‌تواند از همه مردم برای کنترل جرایم و اغتشاشات کمک بگیرد.

۳-۳- حل مسأله

پلیس جامعه محور گرایش به روند حل مسأله در کار پلیس را مدنظر قرار می‌دهد. رویکرد حل مسأله در مقابل جهت‌گیری حادثه محور مطرح شده است و درصدد است تا

خود را به عنوان یک الگوی حرفه‌ای مطرح سازد. در این رویکرد پاسخ‌گویی به تلفن‌ها و مراجعات اضطراری هنوز هم به عنوان یک روش صحیح مورد نظر است ولی در کنار آن ماموران باید هر جا که امکان‌پذیر است به طور توأمان به حوادث فردی و جمعی توجه نمایند. علاوه بر این رویکرد حل مسأله بر نقش سایر سازمان‌های مسئول در زمینه کسب اطلاعات، تأکید فراوانی دارد.

۴- بُعد سازمانی

شناختن بُعد سازمانی که پلیس جامعه محور را تحت تأثیر قرار داده و بر عملکرد او اثر می‌گذارد، اهمیت زیادی دارد. معمولاً ادارات پلیس برای تقویت رویکرد جامعه محوری پلیس، تغییرات مختلف در اجرا، مدیریت و نظارت بر آن را در سازمان مورد توجه قرار می‌دهند. مؤلفه‌های بُعد سازمانی به خودی خود بخشی از پلیس جامعه محور را تشکیل نمی‌دهند، اما غالباً در اجرای موفقیت‌آمیز این رویکرد مؤثر هستند. سه عنصر مهم بُعد سازمانی پلیس جامعه محور عبارتند از: ساختار، مدیریت و اطلاعات.

۴-۱- ساختار

پلیس جامعه محور راه‌های مختلف تجدید ساختار در سازمان پلیس را مورد توجه قرار می‌دهد تا بتواند اجرا و پشتیبانی از عناصر فلسفی و راهبرد و تاکتیک‌های این رویکرد را که به آن‌ها اشاره شد، تسهیل نماید. ساختار هر سازمانی باید با مأموریت آن سازمان و ماهیت کاری که اعضای آن باید انجام دهند، تناسب داشته باشد. بعضی از جنبه‌های ساختار سازمان پلیس سنتی بیشتر با کارهای روزمره و بوروکراتیک مناسبت دارد و چندان سنخیتی با اختیارات و خلاقیتی که لازمه‌ی پلیس جامعه محور است ندارد.

۴-۲- مدیریت

رویکرد جامعه محوری پلیس معمولاً با شیوه‌هایی از رهبری، مدیریت و نظارت همراه است که بیشتر بر فرهنگ سازمانی و ارزش‌ها تأکید دارد و توجه چندانی به مقررات مکتوب و نظام رسمی ندارد. بحث عمده این است که وقتی کارکنان با ارزش‌هایی روبه‌رو هستند که

به طور رسمی تصویب شده‌اند، غالباً قادر خواهند بود تا تصمیمات درستی اخذ کنند و عملکرد مناسبی داشته باشند.

۴-۳- اطلاعات

اقدام به کار پلیس جامعه محور و مدیریت آن به صورت اثربخش مستلزم نوع خاصی از اطلاعات است که طبق روال سنتی در همه ادارات پلیس در دسترس نیستند. مثلاً در بحث پایان ناپذیر میان کیفیت و کمیت، گرایش پلیس جامعه محور به سمت کیفیت سوق دارد. این تأکید بر کیفیت در زمینه‌های مختلفی نمایان می‌شود: اجتناب از روش سنتی برخورد با مسائل معین (مانند دستگیری و جریمه) در ارزیابی موفقیت فرد، توجه بیشتر به این که به تقاضای کمک مردم به چه نحو پاسخ داده شده است و نه این که با چه سرعتی این کار انجام شده است، و مانند آن. هم‌چنین با توجه به این که در پلیس جامعه محور تأکید زیادی بر منطقه‌ی جغرافیایی می‌شود، به جمع‌آوری اطلاعات ریز بر اساس شرایط محلی به عنوان واحد تحلیل، نیازی نخواهد بود. تأکید چنین پلیسی بر مشکل‌گشایی و نیاز به داشتن سیستم اطلاعاتی که قادر به شناسایی و تحلیل مسایل مختلف بر جامعه باشد، به صورت بارزی وجود دارد.» (ترویانوویچ و باکوروکس، ۱۳۸۳، صص ۶۲-۴۲)

سرمایه اجتماعی پلیس و امنیت اجتماعی پایدار

امنیت اجتماعی عبارت است از: «حالت فراغت همگانی از تهدیدی که کردار غیرقانونی دولت یا دستگاهی یا فردی یا گروهی در تمام یا بخشی از جامعه پدید آورد.» (خومحمدی، ۱۳۸۴، ص ۲۶۰). رویکرد جامعه محوری پلیس ارتباطی بسیار نزدیک با موضوع امنیت اجتماعی داشته و اصول گوناگون این رویکرد می‌تواند ضامن پایداری و دوام امنیت باشد. این رویکرد تأمین امنیت اجتماعی را به یک فعالیت عمومی تبدیل نموده و آن را از حالت انحصاری حکومت و پلیس خارج می‌سازد.

تجربیات گذشته و نتایج رویکردهای مختلف امنیتی نشان می‌دهد که امنیت متکی بر روش‌های سنتی، سخت‌افزاری و دولت محوری، بسیار شکننده است و به محض کاهش میزان اثرگذاری این عوامل، بنیاد امنیت موجود در هم خواهد ریخت. لذا امنیتی پایدار است که با روش‌های مدرن، نرم‌افزاری و مشارکتی ایجاد شود و در ایجاد آن ابزارهای سخت در

حد ضرورت مورد استفاده قرار گیرد. از این رو می‌توان مدعی شد که امنیت یک تولید جمعی است و حاصل تعامل و مشارکت آحاد جامعه است.

توجه جدی به رویکرد جامعه محوری موجب افزایش مشارکت مردم در تأمین امنیت شده و به دنبال آن سرمایه اجتماعی بین گروهی پلیس افزایش می‌یابد و همین سرمایه اجتماعی بین گروهی هزینه‌های پلیس را در تأمین امنیت به شدت کاهش می‌دهد. صاحب‌نظران سرمایه اجتماعی را چنین تعریف کرده‌اند: «شبکه‌ای از روابط و پیوندهای مبتنی بر اعتماد اجتماعی بین فردی و بین گروهی و تعاملات افراد با گروه‌ها، سازمان‌ها و نهادهای اجتماعی که قرین همبستگی و انسجام اجتماعی و برخورداری افراد و گروه‌ها از حمایت اجتماعی می‌باشد و انرژی لازم برای تسهیل کنش‌ها در جهت تحقق اهداف فردی و جمعی را فراهم می‌کند.» (عبداللهی و موسوی، ۱۳۸۶، ص ۱۹۶)

کلمن معتقد است «سرمایه اجتماعی به عنوان جنبه‌ای از ساخت اجتماعی، کنش‌های افرادی را که در درون ساخت هستند تسهیل می‌کند و مانند دیگر شکل‌های سرمایه، مولد است و دستیابی به هدف‌های معینی را که در نبود آن دست یافتنی نیست، امکان پذیر می‌سازد.» (کلمن، ترجمه صبوری، ۱۳۷۷، ص ۱۳۵)

با اندکی دقت در تعریف سرمایه اجتماعی می‌توان بسیاری از اصول و عناصر جامعه محوری پلیس را در آن یافت. به طور مثال مشارکت اجتماعی که یکی از اصول اساسی جامعه محوری پلیس می‌باشد، از مهمترین مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی به شمار می‌رود. مشارکت اجتماعی را اینگونه تعریف کرده‌اند: «سازمان فعالانه انسان‌ها در حیات سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و به طور کلی تمامی ابعاد زندگی خودشان.» (بیرو، ترجمه ساروخانی، ۱۳۷۰، ص ۵۲۱).

مشارکت و حضور فعالانه مردم در تأمین امنیت اجتماعی، حاوی فواید بسیار زیادی هم برای جامعه و هم برای پلیس می‌باشد.

اول: هزینه‌های بالقوه‌ی پلیس در تأمین امنیت اجتماعی را پایین می‌آورد،

دوم: هنجارهای نیرومندی برای همکاری و تعامل پلیس و مردم فراهم می‌کند،

سوم: ارتباط را تسهیل و جریان اطلاعات را تسریع می‌کند که نتیجه‌ی آن اعتماد متقابل

بیشتر و آسان‌تر شدن همکاری است؛

چهارم: کامیابی‌ها و پیروزی‌های گذشته را که حاصل همکاری داوطلبانه است متبلور می‌سازد.

از دیگر مؤلفه‌های مشترک میان رویکرد جامعه محوری پلیس و سرمایه اجتماعی می‌توان به مفهوم اعتماد اجتماعی اشاره کرد. «اعتماد اجتماعی عبارت است از انتظارات و تعهدات اکتسابی و تایید شده به لحاظ اجتماعی که افراد نسبت به یکدیگر و نسبت به سازمان‌ها و نهادهای اجتماعی دارند.» (زاهدی، ۱۳۸۷، ص ۹۲).

اعتماد لازمه‌ی شکل‌گیری پیوندها و معاهدات اجتماعی است، اعتماد ایجاد کننده تعاون و همیاری است. اعتماد ابزاری است برای صرفه جویی در قدرت، زیرا حضور اعتماد، نگرانی، شک و نیاز به مراقبت و کنترل را کاهش می‌دهد. اعتماد به معنی داشتن اطمینان به نیت و اعمال دیگران و عاملی کلیدی در روابط متقابل نوین است. اعتماد نوعی سازوکار انسجام دهنده است که وحدت را در نظام اجتماعی ایجاد و حفظ می‌کند. در حقیقت اعتماد بزرگترین تسهیل‌گر کارایی سازمان است و حتی بهتر از اطلاعات است؛ چرا که اطلاعات ممکن است زیاد باشند، ولی غنای آن به اعتماد و میزان سرمایه اجتماعی بستگی دارد.

ارتباطات اجتماعی و انسجام نیز از دیگر عناصر مشترک میان رویکرد جامعه محوری پلیس و سرمایه اجتماعی است که نقشی بنیادی در تأمین امنیت اجتماعی دارد. این ارتباطات عامل اصلی انسجام اجتماعی جوامع است و در رویکرد جامعه محوری پلیس تاکید بسیاری بر آن می‌شود.

انسجام وقتی رخ می‌دهد که عواطف افراد به وسیله‌ی نمادهای فرهنگی تنظیم شوند، جایی که افراد متصل به جماعت، اجتماعی شده باشند، جایی که کنش‌ها تنظیم شده و به وسیله‌ی هنجارها هماهنگ شده باشند و در نتیجه موجب افزایش توانمندی گروه در انجام کارها می‌شود.

در مجموع می‌توان چنین نتیجه گرفت که رویکرد جامعه محوری پلیس با عناصری همچون، اعتماد، مشارکت، ارتباطات و... پیوندی بسیار نزدیک و حیاتی با مفهوم سرمایه اجتماعی داشته و ارتباط نزدیک این دو مفهوم در بُعد نظری و عملی راه‌گشای بسیاری از مشکلات تأمین امنیت اجتماعی پایدار در جامعه می‌باشد.

رویکرد جامعه محوری پلیس + سرمایه اجتماعی پلیس = امنیت اجتماعی پایدار

مشکلات بالقوه و احتمالی رویکرد جامعه محوری پلیس

- بی شک هر رویکرد پلیسی دارای مسائل و مشکلاتی است که در هنگام اجرا و عملیاتی شدن آن رویکرد خود را نشان خواهند داد. رویکرد جامعه محوری نیز از این قاعده مستثنی نبوده و دارای مشکلاتی چند می‌باشد که کارشناسان مختلف به آن‌ها اشاره کرده‌اند. مهمترین مشکلات بالقوه و احتمالی رویکرد جامعه محوری پلیس عبارتند از:
- ممکن است بر اثر این رویکرد امنیت اجتماعی افول کند، زیرا عموم مردم علاقه چندانی به مشارکت در تلاش برای پیشگیری از وقوع جرم ندارند.
 - افراد پلیس ممکن است نسبت به وقوع جرم آسان‌گیر شوند و توانایی مهار خشونت در جامعه را از دست بدهند.
 - یک مشکل بالقوه‌ی رویکرد جامعه محوری پلیس این است که مدتی پس از اجرای این رویکرد ممکن است توجیه منطقی برای داشتن نیروی پلیس کم شود.
 - رویکرد جامعه محوری پلیس ممکن است باعث افزایش ناخواسته‌ی قدرت پلیس در مقایسه با سایر سازمان‌های دولتی شود.
 - رابطه‌ی نزدیک‌تر میان پلیس و مردم ممکن است منجر به افزایش توانایی شهروندان برای تاثیرگذاری بر امور داخلی ادارات پلیس گردد.
 - ممکن است تاکید بر پیشگیری از وقوع جرم، به پلیس این اختیار را بدهد که با دقت و از نزدیک مراقب افراد جامعه باشد که این مسأله ترس از نظارت مستقیم پلیس بر مردم را افزایش می‌دهد.
 - رویکرد جامعه محوری پلیس ممکن است باعث تشدید دوگانگی موجود در اداره امور پلیسی شود، یعنی این که محلات ثروتمند شیوه‌ی جامعه محوری پلیس را به سرعت می‌پذیرند، اما محلات فقیرتر شهر بر اجرای دوباره‌ی قانون و مبارزه با جرم و جنایت اصرار می‌ورزند.
 - تماس نزدیک میان پلیس و کسبه یا اهالی، امکان بروز رفتارهای نامطلوب همچون فساد کارکنان را افزایش می‌دهد. (هس و میلر ، ۱۳۸۲ ، صص ۵۷-۵۵)

نتیجه گیری

رویکرد جامعه محوری، یک فلسفه‌ی جدید اداره‌ی امور پلیسی و مبتنی بر این مفهوم است که مأموران و شهروندان جامعه که به شیوه‌های خلاق با یکدیگر همکاری می‌کنند، می‌توانند به حل مشکلات و مسائل جامعه‌ی معاصر در خصوص جرایم، ترس از جرم و جنایت، بی‌نظمی اجتماعی و فیزیکی و انحطاط محله‌ها، کمک کنند.

این فلسفه مبتنی بر این باور است که دستیابی به این اهداف مستلزم آن است که ادارات پلیس روابط جدیدی با افراد مطیع قانون در جامعه به وجود بیاورند، به آن‌ها اجازه اظهار نظر بیشتر در تدوین اولویت‌های پلیس محلی بدهند و با درگیر کردن آن‌ها در تلاش برای بهبود کلی کیفیت زندگی در محلات خودشان، تمرکز پلیس را از کار در مورد پیگیری تلفن‌های تصادفی به حل کردن مسائل و مشکلات جامعه منتقل کنند.

این رویکرد در سطوح متعددی مورد بحث قرار می‌گیرد و تمایز میان این سطوح اهمیت زیادی دارد. در سطح اول، رویکرد جامعه محوری شامل تدوین مجموعه‌ای از برنامه‌ها یا فعالیت‌ها برای پلیس می‌باشد: گشت پیاده، پیشگیری از وقوع جرم، مشورت با مردم برای حل مشکلات آن‌ها و نوع اداره‌ی امور پلیسی که مورد نظر آن‌هاست.

در این سطح، تاکید معمولاً روی شیوه‌های عملی در مقیاس خرد است. سطح دوم رویکرد جامعه محوری شامل بهبود روابط عمومی پلیس با جامعه و ارائه‌ی تصویر بهتری از پلیس است. رویکرد جامعه محوری با تاکید بر مفاهیم خدمت، انعطاف پذیری، پاسخگویی، دلسوزی، مشاوره و مذاکره موجب تغییر ذهنیت جامعه نسبت به پلیس می‌گردد. تلاش در جهت معرفی بهتر این رویکرد و ویژگی‌های کامل آن به کارکنان ناجا و مردم می‌تواند بهترین نقطه‌ی شروع برای درگیر ساختن بیشتر مردم در امر مهم تأمین امنیت باشد.

بی‌شک در صورت حضور فعال و دلسوزانه‌ی پلیس در جامعه و همکاری و مشارکت جدی مردم در بحث تأمین امنیت اجتماعی، می‌توان تا حدود زیادی به تأمین امنیتی پایدار و بادوام امیدوار بود و در عین حال از هزینه‌ها و دغدغه‌های مختلف پلیس در زمینه تأمین امنیت کاست. این امر میسر نمی‌شود مگر با برنامه ریزی درست، اصلاح رویه‌ها، اعتماد و اعتقاد بیشتر به مردم و نقش آن‌ها در اداره‌ی امور، اطلاع رسانی درست و شفاف به مردم،

اعتقاد به تقدم پیشگیری بر مقابله، افزایش قدرت انتقادپذیری و... که به نوعی تبدیل به مشکلات حاد فرهنگی جامعه شده‌اند و حل آن‌ها مستلزم عزم و تلاش ملی و برنامه ریزی دراز مدت می‌باشد.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع:

- ام. هس، کارن و اس. میلر، لیندا (۱۳۸۲). "پلیس در اجتماع، راهبردهایی برای قرن بیست و یکم (جلد ۱)"، ترجمه‌ی رضا کلهر، تهران، انتشارات دانشگاه علوم انتظامی.
- بیرو، آلن (۱۳۷۰)، "فرهنگ علوم اجتماعی"، ترجمه باقر ساروخانی، تهران، انتشارات کیهان.
- ترویانوویچ، رابرت و باکوروکس، بانی (۱۳۸۳). "پلیس جامعه محور"، ترجمه‌ی مرکز مطالعات و تحقیقات کاربردی طرح و برنامه ناجا، تهران، انتشارات فرات.
- خومحمدی، سعید (۱۳۸۴)، "امنیت اجتماعی از دیدگاه قرآن و امام علی (ع)"، مجموعه مقالات همایش امنیت اجتماعی (معاونت اجتماعی ناجا)، جلد ۳، تهران، انتشارات آشنایی.
- رجبی پور، محمود (۱۳۸۴). "درآمدی بر عوامل مؤثر بر احساس امنیت"، مجموعه مقالات ۲، کنکاشی بر جنبه‌های مختلف امنیت عمومی و پلیس، معاونت پژوهش دانشگاه علوم انتظامی.
- زاهدی، محمدجواد (۱۳۸۷). "فقر و سرمایه اجتماعی"، فصلنامه رفاه اجتماعی (دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی)، سال هفتم، شماره ۲۸.
- عبدالهی، محمد و موسوی، میرطاهر (۱۳۸۶)، "سرمایه اجتماعی در ایران"، فصلنامه رفاه اجتماعی (دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی)، سال ششم، شماره ۲۵.
- کلمن، جیمز (۱۳۷۷)، "بنیادهای نظریه اجتماعی"، ترجمه منوچهر صبوری، تهران، نشرنی.
- هاونگی، حسین (۱۳۸۴)، "تربیت دینی و امنیت اجتماعی"، مجموعه مقالات همایش امنیت اجتماعی (معاونت اجتماعی ناجا)، جلد ۱، تهران، انتشارات گلپونه.
- همتی، رضا (۱۳۸۶)، "پلیس جامعه محور و نقش آن در کاهش احساس ناامنی"، فصلنامه دانش انتظامی، سال نهم، شماره سوم.